

به احترام «معلم» برپا ...

قلم به دست می‌دهند و الفبای زندگی نوشته می‌شود: الف ب پ ت ث ... ، «مادر آمد»، «بابا تاب بست»، «مدرسه پرچم دارد» و ...



قلم به دست می‌دهند و الفبای زندگی نوشته می‌شود: الف ب پ ت ث ... ، «مادر آمد»، «بابا تاب بست»، «مدرسه پرچم دارد» و ... آموختن ادامه دارد تا ناکجاآباد زندگی؛ انسان‌هایی که این نقش سترگ را بر دوش می‌کشند فقط با واژه‌ها جمله‌سازی نمی‌آموزند بلکه آینده و توسعه کشور را می‌سازند. ۱۲ اردیبهشت به رسم هر سال به پا می‌خیزیم و سر تعظیم فرود می‌آوریم به احترام روایتگران انسانیت و زیستن؛ «معلم روزت مبارک».

به گزارش ایسنا، تاریخ هیچ‌گاه فراموش نخواهد کرد جایگاه والای معلمانی را که خود را برای نجات دانش‌آموزان به دل آب و آتش زدند و سال‌ها برا اعتلای نام ایران و تعلیم و تربیت فرزندان‌شان کیلومترها با پای پیاده در کوه و کمر طی کردند تا ثابت کنند معلم که باشی برای دانش‌آموزت همچون فرزندت از جان می‌گذری.

«امین شکری» یکی از همین معلمان کنشورمان است که بیش از ۳۰ سال از عمرش را صرف آموزش کرده و با وجود بازنشستگی، ارق و علاقه به شغلش او را همچنان پایند حرفه اش کرده و دست از معلمی برنداشته است و سال‌هاست به صورت رایگان معلمی می‌کند.

عشایر بودیم و ۶ ماه از سال به دور از خانواده درس می‌خواندم

امین شکری آموزگار ۶۴ ساله ایلامی شهرستان چرداول مرکز سرابله علی رغم داشتن خانواده‌ای عشایر و با به جان خریدن دوری از آنها درس خوانده و در سال ۱۳۵۹ وارد آموزش و پرورش شد و با مدرک لیسانس آموزش ابتدایی در مهر ماه ۱۳۸۷ بازنشسته شد اما علی‌رغم بازنشسته شدن، بدون دریافت هزینه‌ای و چشم‌داشتی همچنان معلمی پیشه اوست و به دانش‌آموزان درس می‌دهد.

سرکی به گذشته و کودکی اش می‌کشد از اینکه در خانواده‌ای پرجمعیت متولد شده و با توجه به شغل پدرش و امکانات آن دوره به سختی درس خوانده است؛ «پدرم کشاورز و دامدار بود. در خانواده‌ای نه نفره با شش برادر و یک خواهر زندگی کردم. والدینم کوچ رو بودند و بخاطر تحصیل، شش ماه از سال را به دور از والدین در خانه اقوام و خویشان درس می‌خواندم».

همچنان قدردان خانواده اش است: «اگر به این جایگاه رسیده‌ام، نتیجه اعتماد والدین و شاهکار خانواده‌ام است که با تدابیر آینده‌نگری من را به این جایگاه رسانده‌اند».

به اینجای صحبت‌ها که می‌رسد به فرزند ۱۰ ساله اش اشاره می‌کند و از آرزویش که تربیت فرزند خوب و تحویل انسانی مفید به جامعه است، سخن می‌گوید.

باز به گذشته برمی‌گردد، هم دوست ندارد چیزی از قلم بیفتد و هم خلاصه‌گویی می‌کند؛ از هم‌زمان زمان جنگش گرفته تا دیدارش با رهبری و اینکه چطور شغل معلمی را برگزیده: «سال ۱۳۵۶ با دیپلم فنی در دفتر فنی استانداری به عنوان مسئول آزمایشگاه خاک بتن استان مشغول فعالیت شدم. زمان جنگ به جبهه رفتم دو تا از دوستای خویم در تپه میمک به شهادت رسیدند؛ دو دیدار با رهبر داشتم و بعد هم تغییر شغل دادم و برای تربیت بچه‌هایی غیور و فداکار به معلمی روی آوردم».

تدریس با روش قدیمی از نظر روحی دانش‌آموز را زده می‌کند

دوست دارم رایگان به نومعلمان آموزش دهم

امین، معلمی را از مقطع دبستان شروع می‌کند و در دوره اول ابتدایی تلاش کرده با کتاب‌ها، مطالعات وسیع، طراحی آموزشی و شناخت ارزش‌ها فرزندان این مرز و بوم را تا حد توان خوب تربیت کند اما بعد از بازنشستگی هم در خانه و برای بازماندگان از تحصیل و حتی نخیه‌هایی که قصد جهش تحصیلی داشتند، کلاس‌های رایگان برگزار می‌کند.

در چندین جشنواره و بدلیل تدوین الگوهایی برای خواندن و نوشتن، روش‌های تربیت بدنی در کردستان و ارزشیابی توصیفی در کرمانشاه و ... حائز رتبه‌های برتر شده اما توضیحات بیشتری درباره این موفقیت‌های شغلی ارائه نمی‌دهد و با نگاهی گذرا از آنها یاد کرده و فقط می‌گذرد: «معتقدم روش‌های تدریس باید مبتنی بر شناخت بچه‌ها و کار کشیدن از آن‌ها باشد تا کلاس خلاق و دانش‌آموزان به خود باوری برسند و عقده‌ای و سرخورده نشوند. اگر معلم متکلم وحده باشد، تاثیر آموزشی ۱۰ درصدی دارد اما اگر کار گروهی در گروه‌های غیر همگن (ضعیف، متوسط، قوی) انجام شود موقعیتی جدید خلق می‌شود و آموزش‌ها صددرصد موثر خواهد بود؛ اما تدریس با روش قدیمی از نظر روحی دانش‌آموز را زده می‌کند».

مسافت محل زندگی تا محل کارش مسیری پر خطر است و بدون دریافت هزینه با عشق و علاقه ای که به معلمی دارد این مسیر را هر روز طی می کند؛ عهد بسته تا زمانی که خداوند توانی بدهد به دانش آموزان خدمت کند، اما امیدوار است بتواند به مرکز استان رفته و آنجا به صورت رایگان به همکاران نومعلم ارائه خدمت دهد.

به معیشت معلمان رسیدگی شود

معلمی برایش شغلی عاشقانه است: «اگر با علاقه، شوق و مطالعه با تفاوت های فردی بچه ها آشنا شویم، با علاقه در کلاس بمانیم، زمان هم زود می گذرد و نتیجه کار بهتری را شاهد هستیم، مانند باغبانی که ثمره باغش را می بیند، در غیر این صورت در زمان پیری لذتی از کار نمی بریم و زمان بازنشستگی از خود شرمند می شویم که چرا در حق فرزندان مدرسه کوتاهی شده است».

وی در ادامه صحبت هایش از معیشت معلمان می گوید و از وزیر آموزش و پرورش می خواهد با توجه به اینکه ایلام جزو استانهای مرزی و محروم است و امکان شغل دوم برای بسیاری از افراد وجود ندارد به معیشت معلمان رسیدگی شود: «از وزیر آموزش و پرورش درخواست داریم نگاه ویژه ای به این قشر فداکار جامعه داشته باشند».

امین شکری کلامش را در نهایت با تبریک روز معلم به بزرگواران عرصه تعلیم و تربیت به پایان می برد